



MLJ

مجله حقوق پزشکی

ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



مقاله پژوهشی

رفع تعارض پیوستن به گروه ویژه اقدام مالی (FATF) با تأکید بر قاعده نفی سلطه و رفع محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی

ولی‌الله مهرنام^۱، مسعود راعی^{۲*}، علیرضا آرش‌پور^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بر اساس رویه معمول تجارت جهانی، کلیه قراردادهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باید از مجرای گروه ویژه اقدام مالی (FATF) عبور کرده و تحت نظارت این نهاد بین‌المللی قرار گیرد، اما در ایران، مخالفان پیوستن به FATF بر این باور هستند که عضویت ایران در تعارض با اصول سیاست خارجی کشور است. بر همین اساس پژوهش حاضر درصدد است تا به این پرسش پاسخ داده می‌شود که در جهت توسعه سرمایه‌گذاری خارجی چگونه می‌توان تعارض موجود میان لزوم پیوستن به FATF و قاعده نفی سلطه را حل نمود؟

مواد و روش‌ها: در مقاله حاضر از روش توصیفی - تحلیلی برای بررسی موضوع استفاده شده است. مطالب بحث از طریق مراجعه و گردآوری مطالب به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است.

یافته‌ها: راهکار رفع تعارض پیوستن ایران به FATF، استمداد از قواعد فقهی نظیر: مصلحت، اهم و مهم است که با حفظ قاعده نفی سلطه، نسبت به حل مشکلات داخلی و خارجی برای توسعه روابط با سایر کشورها، جذب سرمایه، قوی شدن کشور برای مقابله با تهدیدات دشمن و همچنین استفاده از ابزارهای مالی برای تعامل با کشورهای دوست و همسو با سیاست خارجی مستقل در جهان قابل تحقق است. انزوای منطقه‌ای و بین‌المللی و عدم پیوستن به این نهاد بین‌المللی هم مشکلات داخلی و بین‌المللی را گسترده‌تر کرده و هم زمینه‌ساز طرح اتهامات واهی علیه ایران می‌شود.

ملاحظات اخلاقی: مراحل مختلف پژوهش با در نظر داشتن ملاحظات اخلاقی از جمله رعایت اصل ارجاع‌دهی، استفاده صحیح و علمی از منابع مرتبط و اصل امانتداری انجام شده است.

نتیجه‌گیری: بهره‌گیری از قاعده مصلحت و اهم و مهم از سوی رهبر جمهوری اسلامی و موظف‌دانستن نهادهای داخلی، از جمله مجمع تشخیص مصلحت نظام برای حل تعارض پیوستن به FATF و رفع محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی نیازمند غیر سیاسی کردن پیوستن ایران به FATF است. اقدام بعدی تلاش برای خروج از لیست سیاه FATF و درک این مسأله است که انزوای بین‌المللی، مانعی برای جذب سرمایه‌های خارجی و مخدوش شدن زندگی شهروندان است که در فقه و گفتمان اسلامی پذیرفته نیست، همچنانکه تعامل و ارتباط مالی با کشورهای جهان هم در مسأله FATF و هم در سایر مسائل به معنای پیگیری عزتمندانه مطالبات و حقوق مردم تلقی شود.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱

واژگان کلیدی:

رفع تعارض

گروه ویژه اقدام مالی (FATF)

قاعده نفی سلطه

سرمایه‌گذاری خارجی

* نویسنده مسؤؤل:

مسعود راعی

آدرس پستی: ایران، نجف‌آباد،

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد،

گروه حقوق.

کد پستی: ۴۳۱۳۱-۸۵۱۴۱

تلفن: ۴۲۲۹۶۲۹۶-۳۱

پست الکترونیک:

masoudraei@yahoo.com

۱. مقدمه

جامعه معاصر، جامعه‌ای پیچیده و چندبعدی است. برای بهره‌مندی از مزایای تعامل و همکاری با کشورهای و نهادهای مختلف در نظام بین‌الملل نیازمند رعایت اصول و قوانین هستیم، هرچند اصول و قوانین بین‌المللی و آنچه نهادهای بین‌المللی مد نظر قرار می‌دهند، عام و فراگیر هستند، اما از جهت تطبیق و ملاحظه قوانین داخلی کشورها نیز دچار مشکلاتی هستند، از جمله اینکه ممکن است کشورهای مختلف جهان همگی به یک نحو خواستار پذیرش قوانین و مقررات نهادها و سازمان‌های بین‌المللی نباشند. این چالش‌ها وقتی که بحث نظارت و رصد فعالیت‌های مالی کشورها و سازوکارهای تعامل آنان با متحدانش پیش می‌آید، اختلافات را علنی می‌سازد. به طور مشخص، تعامل و تقابل جمهوری اسلامی ایران و FATF، دارای چنین حالتی است، زیرا ایران که بارها تلاش کرده تا در لیست سیاه FATF قرار نگیرد، همواره از سوی این نهاد بین‌المللی به عنوان یک کشوری که همکاری لازم را در این زمینه انجام نمی‌دهد، مورد سرزنش و حتی تهدید قرار گرفت و تعاملات مالی کشور نیز با چالش‌های متعددی رو به رو شده است. استدلال عمده‌ای که در داخل کشور نسبت به پذیرش مفاد FATF و عضویت در آن مطرح می‌شود، دسترسی این نهاد به اطلاعات اقتصادی و مالی کشور و بهره‌برداری کشورهای زورگو از این اطلاعات جهت تحریم ایران، خودتحریمی و همچنین ممانعت از کمک ایران به گروه‌ها و کشورهای هم پیمان در منطقه و جهان است.

اما در سوی مقابل، استدلال می‌شود که پیوستن ایران به FATF، می‌تواند باعث تسهیل در روابط مالی ایران با کشورهای جهان و بهره‌مندی از سازوکارهایی نظیر سوئیفت شده که خود به معنای بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش توان ملی جمهوری اسلامی ایران است. با طرح این دو دیدگاه، مخالفان و موافقان نیز صف‌آرایی کرده و هر یک بر دیدگاه‌های خود تأکید می‌کند، اما آنچه محل توجه است، رفع تعارض پیوستن به گروه ویژه اقدام مالی (FATF) با تأکید بر قاعده نفی سلطه و رفع محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی است که هدف پژوهش حاضر است. به عبارت دیگر استفاده از

سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی علیرغم فواید بسیاری که دارد، گاهی مواقع با برخی قوانین موضوعه یا اصول حاکم بر نظام‌های سیاسی کشور سرمایه‌پذیر در تعارض بوده و طرفین را از حصول نتیجه مطلوب محروم می‌نماید. این معضل در نظام حقوقی ایران نیز مشهود است و به جز آثار منفی تحریم‌های ظالمانه، قرارگرفتن در لیست سیاه سازمان FATF نیز جمهوری اسلامی ایران را از منافع سرمایه‌گذاری خارجی محروم کرده است، چراکه این سازمان با قراردادن نام ایران در لیست سیاه خود، این هشدار را به دیگر کشورها داده است که در صورت مبادلات تجاری و سرمایه‌گذاری در ایران باید ریسک تنبیهات اقتصادی از سوی جامعه جهانی را به جان خرید و منافع خود را از دست بدهند. همین امر سبب شده است که بسیاری از اشخاص حقیقی و حقوقی علیرغم میل باطنی، قید منافع زیاد ناشی از سرمایه‌گذاری در ایران را بزنند. بدیهی است که سرمایه‌گذاری‌های خارجی می‌تواند در جهت توسعه کشور ما مؤثر باشد، اما با وجود رویه‌ای که بر تجارت جهانی حاکم است، انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری، مستلزم پیوستن ایران به نهاد FATF و سازمان‌های مشابه می‌باشد که در برخی مواقع با اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی در تعارض است، لذا در این پژوهش توصیفی - تحلیلی که به صورت مطالعه کتابخانه‌ای سامان یافته است، پس از تبیین دیدگاه‌های موافقان و مخالفان پیوستن ایران به گروه ویژه اقدام مالی، سعی شده است راهکارهای حل این تعارض مورد بررسی قرار گیرد و به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که در جهت توسعه سرمایه‌گذاری خارجی چگونه می‌توان تعارض موجود میان لزوم پیوستن به FATF و قاعده نفی سلطه را حل نمود؟

فرضیه‌ای که مطرح می‌شود، این است که حل تعارض میان پیوستن به FATF و نفی سلطه بیگانگان بر کشور از طریق به کارگیری قواعد فقهی نظیر قاعده مصلحت، اهم و مهم و قاعده نفی سبیل است که هم باعث توسعه سرمایه‌گذاری خارجی در کشور شده و هم مانعی برای تسلط بیگانگان بر سرمایه‌های کشور محسوب می‌شود.

۲. ملاحظات اخلاقی

مراحل مختلف پژوهش با عنایت به ملاحظات اخلاقی، از جمله رعایت اصل ارجاع‌دهی، استفاده صحیح و علمی از منابع مرتبط و اصل امانتداری انجام شده است.

۳. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع بنیادی و در زمره مطالعات کیفی قرار می‌گیرد. جهت جمع‌آوری مطالب مرتبط با مقاله حاضر از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده که با رجوع به منابع اسنادی و کتابخانه‌ای، مقالات و کتب مرتبط جمع‌آوری شده است.

۴. یافته‌ها

پیوستن به گروه ویژه اقدام مالی FATF، در وهله اول نیازمند افزایش توان ملی، بالابردن توان جذب سرمایه خارجی و بهبود وضعیت اقتصادی برای بهره‌مندی از پشتوانه ملی در عرصه بین‌المللی است. پیوستن به FATF، به دلیل پیچیدگی‌ها و ظرافت خاصی که دارند، نیازمند اقدامات حاکمیتی و صدور دستور آن از سوی رهبر بر مبنای اختیاراتی است که تحت عنوان قاعده مصلحت و رعایت اهم و مهم از آنان نام برده می‌شود. در این صورت، نهادهای مرتبط در داخل کشور، موظف هستند تا با رعایت نقاط آسیب‌پذیر، اقدامات شفاف‌ساز را برای تعامل با این نهاد بین‌المللی انجام داده و زمینه را برای برطرف‌ساختن مشکلات حقوقی و مالی ناشی از عدم پذیرش و پیوستن به FATF، فراهم سازند. اقدام بعدی، دورکردن فضای همکاری میان ایران و FATF از اعمال سیاسی است، بدین معنا که FATF، نیز تعهد نماید که اطلاعات مالی و اقتصادی کشور را به کشورهای تحریم‌کننده نظیر آمریکا ندهد. در این صورت است که فضای تعامل میان طرفین حاصل می‌شود و زمینه برای کنارگذاشتن اختلافات فراهم می‌شود. قوانین زیادی برای حمایت از جذب سرمایه دیده می‌شود که از جمله می‌توان به قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۲ اشاره کرد که در آن به مواردی نظیر دانش فنی، حق اختراع، خدمات تخصصی به عنوان سرمایه قابل

پذیرش اشاره شده است (مستند بند ۱ ماده ۱). همچنین قانونگذار در ماده ۲ قانون مزبور، پذیرش سرمایه خارجی را منوط به احراز شرایط و ضوابطی کرده است که اولاً موجبات رشد اقتصادی و ارتقای فناوری را فراهم نماید؛ ثانیاً مخل امنیت ملی و عمومی نباشند. با این حال راه حل اساسی تکیه بر قواعد فقهی نظیر مصلحت، اهم و مهم و همچنین احترام به حقوق متقابل کشورها در عرصه بین‌المللی است تا از این طریق بتوان زمینه را برای سرمایه‌گذاری اقتصادی فراهم نمود و در عین حال اصول سیاست خارجی مبنی بر حفظ استقلال کشور و نفی سلطه بیگانگان را نیز عملی ساخت.

۵. بحث

۵-۱. پیشینه تحقیق

یحیوی و جودکی (۱۴۰۰ ش.) در مقاله «واکاوی نقش گروه ویژه اقدام مالی در کارآمدسازی تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا (مطالعه موردی: ایران)» به این نتیجه رسیدند که برنامه‌های این گروه بین‌المللی از دو مسیر و تکمیل‌کننده و تقویت‌کننده تحریم ایران توسط آمریکا است. مانع تراشی برای ایران جهت حمایت از حزب‌الله و گروه مقاومت نقطه برجسته این پیچیدگی است. احمد فداله و همکاران (۱۳۹۹ ش.) در مقاله «ابعاد حقوقی پیوستن ایران به گروه ویژه اقدام مالی (FATF)» به این نتیجه رسیدند که پیوستن ایران به FATF می‌تواند زمینه‌های لازم برای اطمینان سرمایه‌گذاری را در خصوص شفافیت نظام بانکی ایجاد نماید. در مقاله شاهواری (۱۳۹۹ ش.) نیز تحت عنوان «چالش‌های وارده بر قانون تأمین مالی تروریسم در الحاق ایران به FATF» از منظری انتقادی بیان شده است که عدم تعریف و توافق دقیق بر سر مسأله تروریسم یکی از مهم‌ترین چالش‌های توافق طرفین برای عضویت ایران در این نهاد مالی بین‌المللی است. براتی و حاجیلو (۱۳۹۸ ش.) در مقاله کارکرد استانداردهای FATF در اثرگذاری بیشتر تحریم‌های آمریکا نیز بیان می‌کنند که رویه FATF برای شناسایی کانال‌های مالی ایران در منطقه و جهان زمینه‌ساز شناسایی نقاط ضعف کشور و ابزاری برای فشار بیشتر آمریکا بر ایران است. فولادی در مقاله بررسی

انتخاب برای پیوستن یا نپیوستن به شکل قابل توجهی هم می‌تواند اصول سیاست خارجی را تحت تأثیر قرار دهد و یا اینکه مسأله معیشت مردم و اقتصاد کشور را با نابسامانی متعددی رو به رو سازد. بنابراین از جمله ضرورت‌های پرداختن به بحث حاضر این است که مسأله پیوستن ایران به FATF هم از منظر سازگاری با اصول سیاست خارجی و هم بهبود وضعیت مالی و اقتصادی مورد توجه قرار گیرد، ضمن اینکه پیدا کردن راه حل از منظر فقه که سازگار با سیاست خارجی باشد، دغدغه اصلی پژوهش حاضر است.

۴-۵. محدودیت‌های تحقیق

پژوهش حاضر به طور مشخص به رفع تعارض پیوستن به گروه ویژه اقدام مالی (FATF) با قاعده نفی سلطه با تأکید بر محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی می‌پردازد و به طور مختصر به دیدگاه‌های مخالفین و موافقین پیوستن ایران به نهاد اقدام مالی بین‌المللی توجه نشان داده است. مبحث حاضر با اختصار از این مباحث طولانی که غالباً آمیخته با حب و بغض‌های سیاسی و جناحی است، عبور می‌کند و راه حل مستقل خود را ارائه می‌کند. محدودیت دیگری که در این زمینه قابل طرح است، عدم دسترسی به چرایی نپیوستن ایران به این نهاد بین‌المللی از منظر نخبگان سیاسی تصمیم‌گیر در داخل کشور است.

۵-۵. ادله موافقین و مخالفین پیوستن ایران به FATF

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای توسعه کشورها، امری اجتناب‌ناپذیر و البته مؤثر است، اما استفاده از آن همانند تیغ دو لبه‌ای است که هم بشارت است و هم اندازا! بدین‌نحو که از یکسو در رفع نیازهای جامعه تأثیرگذار بوده و از سوی دیگر، ممکن است حاکمیت کشورها را گرفتار سلطه‌جویی بیگانگان نماید. از همین رو کشورها تسلط دیگران را نسبت به منافع و مصالح خود بر نمی‌تابند. بنابراین قراردادهای سرمایه‌گذاری باید به گونه‌ای باشند که علاوه بر استفاده طرفین قرارداد از منافع آن، راه هرگونه سلطه بیگانگان بر منافع کشور سرمایه‌پذیر سدّ شود.

گروه ویژه اقدام مالی، پیامدهای عضویت ایران (۱۳۹۷ ش.) به این نتیجه رسید که عضویت ایران در نهاد FATF می‌تواند شرایط مناسبی را برای ایران فراهم سازد که با برداشتن موانع در حوزه تبادلات مالی و جذب سرمایه‌های خارجی، به تصویب و یا استانداردسازی قوانین منجر شود.

در برخی مطالعات، پیوستن و تعامل ایران با FATF ضروری دانسته شد و برخی دیگر نیز تعامل با این نهاد بین‌المللی را نوعی خودتحریمی قلمداد می‌کنند که ممکن است تبعات جبران‌ناپذیری برای ایران در پی داشته باشد، اما پژوهش حاضر با بررسی مختصر این دو دیدگاه، رویکرد جدیدی اتخاذ می‌کند که بر اساس آن هم بر اساس قواعد فقهی و هم اصول قانون اساسی بتوان به حل تعارض مسأله پیوستن ایران به FATF راه حل ارائه نماید.

۵-۲. نوآوری تحقیق

وجه تمایز پژوهش حاضر از پژوهش‌های مطرح‌شده در زمینه ارتباط ایران با FATF آن است که درصدد ارائه راه حل کاربردی برای حل تعارضی است که طی سال‌های طولانی مانع عضویت ایران در نهاد اقدام مالی بین‌المللی شده بود. بنابراین پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا راه حل این تعارض را با استناد به قواعد فقهی و استخراج آنان از متن قانون اساسی پیدا نماید. بهره‌گیری از قواعد فقهی نظیر مصلحت، نفی سلطه و برخی دیگر از قواعد فقهی که با اصول قانون اساسی نیز در ارتباط هستند، توانایی ارائه راه حل برای حل این تعارض را دارا هستند. به طور مشخص قاعده نفی سلطه که هم در قواعد فقهی و هم در اصول سیاست خارجی مطرح است، اساس این راه حل را تشکیل می‌دهد.

۵-۳. اهمیت و ضرورت تحقیق

رهاورد قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی و یا پیوستن به نهادی همچون FATF، از یکسو رهنمون توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی بوده و از سوی دیگر، نوعی سلطه‌گری بیگانگان را به همراه داشته باشد. بنابراین پرداختن به این مسأله از چنان اهمیتی برخوردار است که عدم دقت در

که هیچ کشوری نمی‌تواند در مقابل آن ایستادگی کند، مگر با تحمل هزینه‌های فراوان و پیوستن به نهاد FATF را در راستای جهانی‌شدن امری ضروری می‌دانند. همچنین موافقان الحاق به FATF یکی دیگر از استدلال‌های خود را بر پایه اصل ضرورت تعامل با سایر کشورهای دنیا و سازمان‌های بین‌المللی بنا داشته و معتقدند الحاق ایران به FATF، تعامل در عرصه بین‌المللی را تسهیل می‌بخشد.

استدلال دیگری که مطرح می‌شود، در امان ماندن از اقدامات تنبیهی FATF است. طرفداران پیوستن به گروه ویژه اقدام مالی، بزرگ‌ترین فایده این اقدام را در امان ماندن از اقدامات تنبیهی این سازمان جهانی ارزیابی می‌کنند و معتقدند می‌توان با چنین عملی، از بسیاری خسارت‌های مادی در عرصه بین‌المللی پیشگیری کرد. مهم‌تر اینکه رفع شبهه همکاری با تروریست نسبت به ایران، از جمله نتایج پیوستن ایران به این نهاد بین‌المللی است. با وجود اینکه پدیده تروریسم مسأله تازه‌ای نیست، اما تهدیداتی که امروزه از ناحیه این پدیده شوم متوجه جوامع مختلف است، ویژگی و حساسیت خاصی نسبت به سایر پدیده‌های حقوقی ایجاد کرده است. تهدیدات ناشی از اقدامات تروریستی، دیگر در چارچوب سرزمین معین نمی‌گنجد و به یک تهدید جهانی مبدل گشته است. تروریسم ارزش‌هایی از قبیل احترام به حقوق بشر، حاکمیت قانون، قوانین و مقررات ناظر به حمایت از غیر نظامیان در جنگ، بردباری و تساهل میان ملت‌ها و کشورها، و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات را هدف قرار می‌دهد که بنیان منشور ملل متحد می‌باشند (۳). اقدامات تروریستی علاوه بر امنیت انسانی، صلح و امنیت بین‌المللی را نیز مورد تهدید قرار می‌دهد و به چالش مهم جامعه بین‌المللی تبدیل شده است. با پیشرفت تکنولوژی و به کارگیری تروریست‌ها از فناوری روز، این چالش ابعاد گسترده‌ای نیز پیدا کرده است. از این رو دولت‌ها در مقابله با اقدامات تروریستی شیوه‌های مختلفی را در پیش گرفته‌اند (۴). به همین ترتیب، از جمله ادله موافقان الحاق به سازمان FATF این است که جمهوری اسلامی ایران در طی سالیان متمادی، خود، قربانی اقدامات تروریستی بوده است. بنابراین با استقبال و حمایت از روند کاری FATF -

در اصول قانون اساسی کشور ما نیز مقرراتی تقنین شده است که در عرصه اجرا، با قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی تعارض دارند. اصول ۱۵۲ و ۱۵۳ قانون اساسی که به عنوان اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شوند، بر مبنای قاعده نفی سبیل مستند به آیه ۱۴۱ سوره نساء که می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ و خدا تا ابد اجازه نداده که کافران کمترین تسلطی بر مؤمنان داشته باشند» (۱). استدلال بر این است که عقل سلیم، سلطه ناروا بر دیگری را بر نمی‌تابد، لذا نفی سلطه، بحثی کاملاً عقلایی است که در حقوق بین‌الملل اسلام نیز رعایت شده است.

با عنایت به آیات شریفه و «قاعده نفی سبیل»، سیاست خارجی ایران نیز به گونه‌ای تدوین شده است که سلطه اجانب را طرد می‌کند. با در نظر گرفتن این مسأله که سیاست خارجی مهم‌ترین وجه زندگی اجتماعی سیاسی ملت‌ها و کشورهاست و بقا و حیات آن‌ها به سیاست خارجی بستگی دارد (۲). از این رو کلیه اشخاص اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی نظیر دولت‌ها باید در هنگام انعقاد قراردادهای بین‌المللی، به سیاست خارجی کشورها توجه داشته باشند تا منافع طرفین تأمین و تضمین گردد. با این حال، تفاسیر متعددی از چگونگی ارتباط با کشورهای مختلف و نهادهای بین‌المللی از جمله گروه اقدام مالی وجود دارد که به دو دیدگاه اصلی پرداخته می‌شود:

۵-۱-۵. ادله موافقان عضویت ایران در FATF

مقوله الحاق ایران به سازوکارهای گروه ویژه اقدام مالی FATF با بحث توسعه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی FDI پیوستگی عمیقی دارد. به همین دلیل برخی استدلال می‌کنند که عضویت ایران در این نهاد، آثار مثبتی در پی دارد. موافقان عضویت ایران در FATF به منظور اثبات مدعای خود به دلایل ذیل استناد می‌کنند:

نخستین دلیل این گروه برای توجیه پیوستن ایران به گروه FATF، اقدام به پیشرفت در مسیر جهانی‌شدن است، طرفداران، یکپارچه‌شدن اعضای جهان را امری ناگزیر دانسته

ویژه اقدام مالی امکان‌پذیر می‌باشد، هرچند که موافقان پیوستن به FATF نیز به این مسأله اذعان دارند که این اقدام تمامی مشکلات اقتصادی ما را حل نخواهد کرد، اما در برهه کنونی، پیوستن به این تعهدنامه بین‌المللی یک ضرورت است و در حالی که ما قصد داریم به بازارهای بین‌المللی وارد شده و ارتباطات بانکی و مالی گسترده‌ای داشته باشیم، باید قوانین بین‌المللی این حوزه را نیز بپذیریم.

۵-۲. ادله مخالفین

در مقابل دیدگاه‌های موافقین پیوستن ایران به FATF، گروهی نیز با چنین اقدامی مخالف بوده و دلایل خود را نیز به شرح ذیل ارائه نموده‌اند. توضیح اینکه گروهی که با الحاق ایران به FATF موافق هستند، چنین استدلال می‌نمایند که با الحاق ایران به گروه ویژه اقدام مالی، کشور ما باید گوش به فرمان قوانین نهادی باشد که برخی از گردانندگان اصلی آن، دشمنان دیرینه ما هستند و این اقدام در واقع نوعی خودتحریمی است. عدم شفافیت FATF موضوع دیگری است که مخالفان مطرح می‌کنند. بنابراین از نظر آنان، یکی دیگر از ادله این گروه، عدم شفافیت قوانین و مقررات حاکم بر نهاد FATF است و مخالفان، معتقدند که قوانین و تصمیمات گروه ویژه اقدام مالی به اندازه کافی صراحت و شفافیت نداشته و در بسیاری از موارد اعضا را دچار سردرگمی می‌کند. نمونه بارز این عدم شفافیت را می‌توان در برخی بیانیه‌های این نهاد مشاهده کرد، به نحوی که گروه FATF در سال‌های اخیر، علیرغم اجرای کامل تعهدات برنامه اقدام از سوی ایران، هیچ تضمینی برای خروج ایران از لیست سیاه ارائه نکرده و صرفاً اعلام کرده: «ایران در بیانیه عمومی باقی خواهد ماند تا زمانی که برنامه اقدام به صورت کامل اجرا شود.» از این جهت، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران گوشزد می‌کند که در دام قوانین دست و پاگیر و مبهم اسیر نشوند.

فاش‌شدن اطلاعات استراتژیک اقتصادی مسأله مهم دیگری است که مخالفان بر آن تأکید می‌کنند. مخالفان الحاق ایران به FATF ادعا دارند که در صورت تبادلات مالی تحت نظارت

که مبارزه با تأمین مالی تروریسم است - به جهانیان اثبات می‌کند که نه تنها حامی تروریست نبوده، بلکه خودش نیز ضربات فراوانی از تهاجمات تروریستی متحمل شده است.

در نهایت اینکه اصلی‌ترین دلیل موافقان پیوستن به نهاد FATF توجه به توسعه سرمایه‌گذاری خارجی کشور است که معتقدند قرارگرفتن در لیست سیاه FATF ما را در این مسیر دچار مشکلات عدیده‌ای کرده است و از آنجایی که سرمایه‌گذاری خارجی در پیشرفت یک کشور در حال توسعه بسیار اثرگذار است، لذا شالوده اصلی این پیشرفت، در گرو الحاق ایران به FATF است. طرفداران بر این باورند که اگر پیوستن ایران به FATF تصویب نشود، شرایط سختی بر کشور حاکم می‌شود و برخی از کشورهای اروپایی که درصد همکاری تجاری با ایران هستند، نمی‌توانند اقدام خاصی در سیستم بانکی انجام دهند. با عدم تصویب FATF امید چندانی به بهبود وضعیت اقتصادی کشور نخواهد بود و برای مبادلات اساسی خود اعم از فروش نفت خام و صادرات صنعتی و غیر صنعتی به مشکل برخورد خواهیم کرد. در چنین شرایطی، کشور ما در عرصه جهانی منزوی شده و همانند جزیره‌ای دورافتاده در وضعیت اقتصادی سختی قرار می‌گیریم. چنانچه ایران به FATF نپیوندد، نه تنها سرمایه‌گذاران خارجی رغبتی به سرمایه‌گذاری ندارند، بلکه سرمایه‌های سابق نیز به مرور از کشور خارج خواهد شد و فعالان اقتصادی انگیزه‌ای برای فعالیت نخواهند داشت و آینده اقتصادی کشور را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد، حتی مشارکت سرمایه‌گذاران داخلی نیز به شدت کاهش پیدا می‌کند، زیرا یک سرمایه‌گذار، هنگامی می‌تواند به این کار اقدام کند که بتواند وضعیت آینده کشور سرمایه‌پذیر را تا حدودی پیش‌بینی نماید.

شاید برخی بر این اعتقاد باشند که در همین شرایط نیز سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت از سوی سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی انجام می‌شود، لکن در پاسخ باید گفت که سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی کوتاه‌مدت در واقع تجارت‌های خرد و دلالی به حساب می‌آیند، درحالی که کشور ما برای توسعه فراگیر، باید بر سرمایه‌گذاری‌های طولانی‌مدت متمرکز شود و چنین امر مهمی با پیوستن به سازوکار گروه

این سازمان، اطلاعات فراوانی از نقاط ضعف و قوت کشور ما در عرصه اقتصاد در اختیار دشمنان قرار می‌گیرد.

یکی دیگر از دغدغه‌های مخالفان، در خصوص مسائل امنیتی کشور و پشتیبانی از محور مقاومت است که این امر با توجه به مسائل امنیتی منطقه برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت دارد، اما از منظر نهاد FATF، برخی از گروه‌های محور مقاومت به عنوان تروریست شناخته می‌شوند و نباید از آن‌ها پشتیبانی مالی صورت گیرد. بنابراین پیوستن به گروه FATF، ما را در پشتیبانی از محور مقاومت محدود می‌نماید. در نهایت اینکه شاید بتوان بارزترین و منطقی‌ترین دلیل مخالفان پیوستن ایران به FATF را این ادعا دانست که اجرای دستورات گروه ویژه اقدام مالی با برخی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی و قاعده نفی سلطه بیگانگان در تعارض آشکار است، چنانکه قانون اساسی مقرر می‌دارد: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است» (مستند اصل ۱۵۲ قانون اساسی) و نیز بیان می‌دارد: «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شؤون کشور گردد، ممنوع است» (اصل ۱۵۳ قانون اساسی).

وضع اصول مزبور که ساختار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد، با نیاز این کشور به تعامل با کشورهای دیگر به ویژه در زمینه انتقال دانش فنی و تکنولوژی در تعارض آشکار است، چراکه یکی از جنبه‌های مهم نظام بین‌الملل در زمینه تعامل کشورها و حکومت‌ها با یکدیگر، معاهدات و قراردادهایی است که در قالب مقررات و قوانین حقوق بین‌الملل منعقد می‌گردد و کشورهای متعهد، باید در جهت حفظ صلح، ثبات و امنیت جهانی به این قوانین پایبند باشند. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یکی از اعضای تأثیرگذار جامعه بین‌المللی، همواره متعهدبودن خود را به معاهدات و قراردادهای بین‌المللی نشان داده است، اما طبق اصول قانون اساسی، کشور ایران صرفاً معاهدات و قراردادهایی

را امضا کرده و بدان‌ها متعهد می‌شود که نافی هرگونه سلطه کشورهای بیگانه بر نظام اسلامی باشد. به گفته برخی پژوهشگران، هدف از وضع قوانین سیاست خارجی، تبیین رسالت خطیر کارگزاران سیاست خارجی و مرتبطین آنان، تحکیم اعتقاد به این اصول مقدس، ایجاد احساس تعهد بیشتر و درک فرصت گران‌بهایی است که برای صدور شایسته و بایسته انقلاب اسلامی در اختیار آنان قرار گرفته است (۵).

مفاد ذیل مستنبط از اصول ۱۵۲ و ۱۵۳ ق.ا. به عنوان خطوط کلی سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران است:

- ۱- نفی سلطه‌جویی؛ ۲- نفی سلطه‌پذیری؛ ۳- حفظ استقلال همه‌جانبه؛ ۴- ممنوع‌بودن قراردادهایی که باعث سلطه بیگانه بر کشور می‌گردد؛ ۵- آرمان خود دانستن سعادت انسان در کل جامعه بشری؛ ۶- به رسمیت شناختن استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل به عنوان حقوق همه مردم جهان؛ ۷- خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملل دیگر؛ ۸- حمایت از مبارزات حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در همه جهان؛ ۹- قبول پناهندگی سیاسی؛ ۱۰- تفکیک‌ناپذیری آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور؛ ۱۱- دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان؛ ۱۲- عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر؛ ۱۳- روابط صلح‌آمیز و حسنه متقابل با دول غیر محارب؛ ۱۴- احترام به قراردادهای معاهدات بین‌المللی؛ ۱۵- حل اختلافات بین‌المللی از طریق مسالمت‌آمیز و پذیرش حکمیت بر اساس حق و عدل؛ ۱۶- تعاون و مشارکت و نقش فعال داشتن در امور بین‌المللی؛ ۱۷- مقابله به مثل در موارد لازم؛ ۱۸- تقدیم و ترجیح روابط با کشورهای اسلامی بر کشورهای غیر اسلامی؛ ۱۹- رعایت عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی (۶).

مخالفان پیوستن ایران به FATF معتقدند که آنچه به عنوان محورهای اصلی سیاست خارجی نظام اسلامی مطرح شد، علاوه بر تطابق با آموزه‌های دینی، با مبانی عقلانی نیز همسو می‌باشد. به تعبیر دیگر، در مفاد اصول سیاست خارجی ایران، ملازمه عقلی و شرعی احکام کاملاً هویداست. موضوعی که در اصل ۱۵۳ ق.ا. ممنوع شده است، انعقاد هرگونه قراردادی است که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ،

در صیانت از اصول قانون اساسی و شرع مقدس، همه تلاش خود را مبذول داشته و در مقابل بسیاری از سلطه‌جویی‌های ایستادگی کرده و از این حیث قابل تقدیر است، لکن باید توجه داشت که از یکسو، کشور جمهوری اسلامی ایران همانند سایر کشورهای در حال توسعه به سرمایه‌گذاری‌های خارجی و انتقال دانش فنی و تکنولوژی نیازمند بوده و از سوی دیگر، وجود چنین محدودیت‌هایی باعث عدم تمایل سرمایه‌گذار خارجی برای اقدامات خود در ایران می‌شود و این موضوع منتهی به یک فرصت‌سوزی می‌گردد که در بلندمدت جبران‌ناپذیر خواهد بود، لذا ضرورت دارد که در این راستا برای حل تعارضات موجود میان لزوم استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی و حفظ موازین شرعی و قانون اساسی جمهوری اسلامی چاره‌ای اندیشیده شود. به همین منظور در ادامه به ارائه چند راهکار ساده، اما متقن و معتبر از فقه اسلامی و اصول حقوقی پرداخته شده است که می‌تواند در این مسیر راهگشا باشد.

۵-۶. راه حل‌های تعارض میان لزوم استفاده از

سرمایه‌گذاری خارجی و اصول سیاست خارجی ج.ا.ا.

در تحلیل اصول ۱۵۲ و ۱۵۳ قانون اساسی، اصل بر حاکمیت دولت و نظام اسلامی در قراردادهای بین‌المللی، از جمله قراردادهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است و انعقاد هرگونه قراردادی که این حاکمیت را نقض کند، پذیرفته نیست، اما این نکته شایان تذکر است که شاید این نگاه در تأمین منافع ملی و مصالح نظام اسلامی پذیرفته باشد، اما تا حدودی باعث به انزورفتن کشور در جامعه جهانی می‌گردد، زیرا طرف‌های خارجی که قصد سرمایه‌گذاری در ایران را دارند در برخورد با چنین مقرراتی، منافع خود را تضمین شده نمی‌بینند و از انعقاد قرارداد با کشورمان پا پس می‌کشند. به همین دلیل باید نگاهی متعادل‌تر به موضوع حاکمیت اراده در قرارداد داشته باشیم.

از سوی دیگر، آنچه که در جامعه جهانی و تجارت بین‌الملل به عنوان یک اصل مقبولیت دارد، برتری حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی کشورهاست، بدین معنا که در صورت تعارض بین

ارتش و دیگر شؤن کشور گردد. این در حالی است که ایران جزء کشورهای در حال توسعه است و نیاز به سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی دارد، لیکن بر اساس اصول سیاست خارجی که در چارچوب قانون اساسی تدوین و تعیین گردیده است، صرفاً قراردادهایی در فرایند سرمایه‌گذاری معتبر هستند که علاوه بر تأمین منافع کشور، هرگونه سلطه‌جویی بیگانگان را نسبت به منافع و منابع ملی ایران نفی کنند.

۵-۵-۲-۱. نقد دیدگاه اخیر مخالفین

هرچند که دیدگاه اخیر مخالفین در خصوص نفی سلطه بیگانگان بر حاکمیت کشور، برگرفته از شرع اسلام و مبانی عقلی بوده و محلی برای انتقاد ندارد و شورای محترم نگهبان نیز از این خط مشی عقلی و شرعی پیروی کرده است، لکن با نگاهی به نظرات تفسیری شورای محترم نگهبان در خصوص اصول ۱۵۲ و ۱۵۳ ق.ا. که بر اساس آن، شورای نگهبان در خصوص طرح تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰ مقرر می‌دارد: «اطلاق و عموم و صراحت برخی از مواد مصوبه مذکور در مواردی شامل تملک بی‌قید و شرط اراضی کشور به وسیله دولت‌ها و ایادی و اتباع آنان حتی در مجاورت کشورهای همسایه بوده و استقلال و تمامیت اراضی کشور را مخدوش می‌نماید. اطلاق و عموم مصوبه مذکور در مواردی موجب سلطه بیگانه بر اقتصاد کشور و نفوذ اجانب می‌گردد» (۷). همچنین شورای نگهبان در استنادی دیگر به اصول مزبور، ایراداتی را به لایحه چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲ وارد کرده است. در اظهار نظر نخست، ماده ۹ لایحه مزبور را به طور کلی خلاف شرع دانسته و در مورد ماده ۱۱ آن نیز مقرر می‌دارد که چنانچه عبارت «با رعایت اصول قانون اساسی» قید شود، اشکال خلاف قانون اساسی بودن در این ماده رفع خواهد شد (۷). بنابراین می‌توان اذعان داشت که این نهاد نظارتی نیز رویکرد مثبتی نسبت به انعقاد قراردادهایی که حاکمیت ایران را نقض می‌کند، نداشته و شاید همین امر علت عدم تصویب لایحه FATF در شورای نگهبان بوده است، اما به هر حال، مستفاد از نظرات تفسیری شورای نگهبان است که این نهاد،

تمام فرصت‌ها و امکانات بهره‌گیرد و موانع پیش روی خود را برای دستیابی به اهداف برطرف سازد (۱۰).

از دیدگاه امام خمینی (ره)، در باب گستره مصلحت‌هایی که مبنای صدور احکام حکومتی قرار می‌گیرد، ولی فقیه می‌تواند در قلمرو قانون به منظور پاسداری از اسلام، نظام اسلامی و بالندگی جامعه اسلامی و رشد و افزونی عزت مسلمانان، مصلحت را در نظر گیرد و بر اساس آن‌ها به صدور احکام حکومتی دست یازد. در این باره دست‌رهبری حکومت اسلامی باز است و او قاطعانه باید در پی تحقق مصلحت‌های جامعه اسلامی باشد و اگر نیاز دانست می‌تواند مهم‌ترین احکام شرع همانند حج را به دلیل مراعات مصلحت به طور موقت تعطیل کند (۱۱). در درون سیستم حاکمیتی جمهوری اسلامی، علاوه بر مقام رهبری، برخی نهادها مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی و شورای عالی امنیت ملی نیز به عنوان مراجع و نهادهای تشخیص مصلحت شناخته می‌شوند که می‌توانند در مواقع تنگنا اقدام به مصلحت‌سنجی نموده و محدودیت‌ها را از پیش روی نظام اسلامی بردارند، چنانکه در زمینه انعقاد برخی قراردادهای خارجی شاهد بوده‌ایم که نهادهای مزبور به فراخور جایگاه خود و مقتضیات ذاتی و عملیاتی خود اقدام به مصلحت‌سنجی کرده و تصمیم مقتضی را اخذ کرده‌اند، به نحوی که در برخی موارد، علیرغم تسلط جزئی بیگانگان، انعقاد قراردادهایی را برای کشور دارای اولویت دانسته و آن را تنفیذ نموده‌اند. بنابراین با استناد به قاعده فقهی مصلحت می‌توان جامعه اسلامی را از بسیاری از محدودیت‌ها و تنگناهایی داد و این قاعده در حل تعارض میان نفی سلطه در اصول ۱۵۲ و ۱۵۳ قانون اساسی و قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی بسیار مؤثر واقع شده است.

۵-۶-۲. استناد به قاعده فقهی اهم و مهم

قاعده اهم و مهم نیز یکی دیگر از راه‌حل‌های تعارض در بحث ما می‌باشد. قاعده اهم و مهم از قواعد فقهی اصطیادی و از جمله اصول عقلی است که مکلفین می‌توانند در هنگام تحیر در تراحم ملاکات احکام و در مقام عمل با کمک این اصل عقلانی از سرگردانی خارج شوند (۹). مراد از «اهم»، امری

مقررات حقوق داخلی با موازین حقوق بین‌الملل، حقوق بین‌الملل رجحان دارد. بنابراین نمی‌توان با تکیه بر اصل حاکمیت یا استناد به اصول قانون اساسی و یا مقررات حقوق داخلی، حقوق بین‌الملل عرفی یا تعهدات ناشی از حقوق قراردادی را نادیده گرفت. دایره‌المعارف حقوق بین‌الملل نیز همین مطلب را تأیید می‌نماید (۸). بنابراین یکی از قواعد حل تعارض در این موضوع این است که نظام جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن کلیه اصول حاکمیتی خود و با حفظ مصالح و منافع ملی، برای پیوستن به قراردادهای و معاهدات بین‌المللی که حق شرط در آن‌ها پیش‌بینی شده است، رزروهایی را ایجاد نماید تا در صورت تضمین مصالح و تأمین منافع به این قراردادها بپیوندد.

۵-۶-۱. مصلحت‌سنجی نظام حاکم

قاعده مصلحت یکی از قواعد مهم و کاربردی در زمینه اداره جامعه است که اندیشمندان اسلامی مباحث نظری بسیار زیادی درباره این قاعده مطرح نموده و آن را بسیار توسعه داده‌اند. مصلحت عنوانی مؤثر و کارا در فقه اسلامی است و تاکنون مباحث دامنه‌داری در مورد مفهوم، جایگاه، قلمرو و آثار آن در گرفته است. حضور مصلحت به عنوان محور اصلی در تشریح و قانونگذاری از یکسو و نیز نقش آن در استنباط و اجتهاد، نشان از اهمیت بالای آن دارد تا آنجا که بسیاری مصلحت را مبنای کلیه احکام شرع برشمرده‌اند. همچنین تأثیر مصلحت در تعارض و اجرای احکام به ویژه در قلمرو احکام حکومتی و اجتماعی بسیار قابل توجه است (۹). مصلحت‌سنجی در حوزه حقوق بین‌الملل، تحت عنوان منافع ملی تعریف می‌شود. می‌توان منافع ملی را هدایت‌کننده سیاست خارجی کشورها و نقشه راهی در جهت پیشبرد اهداف و سیاست‌هایی دانست که در سطح کلان طراحی گردیده‌اند. در حقیقت، منافع ملی، روشن‌نگر سیاست‌ها، راهبردها و راهکارهایی است که به مدد آن‌ها، کشوری در عرصه بین‌الملل، به ایفای نقش می‌پردازد و از آن طریق، می‌کوشد تا ضمن ارتقای وضعیت موجود خود در این عرصه، در جهت نیل به وضعیت مطلوب، از

۵-۶-۳. اجرای اصل احترام متقابل

اصل، مفهومی کلی است و ملاک و معیار واقع می‌شود. بنابراین نمی‌تواند امری جزئی و دارای مصداق معین باشد. اصول به دستورالعمل‌های کلی گفته می‌شود که بر مبانی‌ای مبتنی است. بنابراین اصل سلسله قواعد و معیارهای کلی (بایدها) است که متناسب با ظرفیت‌های انسان انتخاب می‌شود و به منظور تعیین روش‌ها برای دستیابی به اهداف، به آن توجه شود (۱۴).

یکی از دستورالعمل‌های عرصه حقوق بین‌الملل اصل احترام متقابل است؛ به عقیده بسیاری از محققین، اصل مزبور، در راستای نظریه پیروان مکتب اصالت فرد است که هدف آن، تأمین حقوق آزادی فرد و احترام به شخصیت و حقوق طبیعی اوست. زمانی که نظام عدالت کیفری نزد مردم دارای یک اعتبار اخلاقی باشد، یک نوع احترام درونی نسبت به این نهادها و قوانین آن‌ها نزد تابعان حقوق شکل می‌گیرد و مردم به قوانین به دیده احترام می‌نگرند و این امر تبعیت مردم از قوانین را رقم خواهد زد، در حالی که زمانی که مردم از نظام عدالت کیفری ناراضی باشند و به قوانین احترام نگذارند در عمل تمکین از قوانین کاهش و تمرد از قوانین و نقض آن‌ها افزایش می‌یابد (۱۵)، بدین ترتیب یکی دیگر از راهکارهای برطرف نمودن تعارض میان نفی سلطه و قراردادهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اجرای اصل احترام متقابل است که در معاهدات بین‌المللی یک اصل رایج و مورد استناد بوده و جمهوری اسلامی نیز با جامعه جهانی از باب احترام متقابل رفتار می‌نماید. اصل احترام متقابل و برابری حاکمیت، از جمله قواعد بین‌المللی پذیرفته‌شده در جامعه بین‌المللی است که در واقع منشأ مصونیت قضایی دولت‌ها به حساب می‌آید (۱۶)، از جمله موارد احترام متقابل در ارتباطات بین‌المللی، عمل به تعهدات ناشی از قراردادهای بین‌المللی است. بنابراین زمانی که طرف‌های خارجی قرارداد به تعهدات خود به صورت کامل عمل نمایند، اصل احترام متقابل حکم می‌کند که جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساس این اصل به ایفای تعهدات خود بپردازد.

است که انجام آن از اهمیت بالایی برخوردار بوده و مهم‌تر است، خواه مهم‌تر، از نظر مصلحت اهمی که دارد یا مفسده اهم آن (۱۲). اهم و مهم در اصطلاح به معنای تقدم حکم مهم‌تر در جایی است که بین دو حکم (مهم و مهم‌تر) در مقام عمل تزاخم وجود دارد. بنابراین هرگاه بین دو واجب تزاخم باشد، در مقام رفع تزاخم، در صورتی که یکی اهمیت بیشتری داشته باشد، مقدم می‌گردد و جویاً و باید به اهم عمل نمود. این راه حل را، قاعده لزوم تقدم اهم بر مهم می‌گویند. بنابراین منظور از اصطلاح «تزاخم بین اهم و مهم» همان تدافع بین آنهاست، خواه بین دو مصلحت یا دو مفسده یا مصلحت و مفسده (۱۳).

در مورد استناد به قاعده اهم و مهم برای رفع تعارض موجود میان لزوم استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی با برخی اصول قانون اساسی می‌توان ادعان داشت در مواقعی که مصالح مهم و مهم‌تر موجود بوده، اما مصلحت مهم‌تر در حال تقویت است، باید مصلحت مهم را رها کرده و مصلحت مهم‌تر را دریافت. به عبارت دیگر هرچند که اجرای قاعده نفی سبیل برای حفظ نظام اسلامی مهم است، لکن به منظور احیای اندیشه اسلامی و ایجاد ارتباط صلح‌آمیز دولت اسلامی با سایر ملل جهان، باید به ارتباطات و تعاملات نظام اسلامی با سایر نظام‌ها توجه شود، زیرا واقعیات دنیای کنونی، ایجاب می‌کند که ارتباط با دنیا، برای نظام اسلامی امری اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین نظام اسلامی می‌تواند با انعقاد قراردادهای سرمایه‌پذیری که برای ادامه حیات جامعه اسلامی اهمیت دارد، از این فرصت مغتنم در خصوص پیشرفت و توسعه بهره‌برد. از سوی دیگر، حفظ وجهه بین‌المللی نظام اسلامی نیز اهمیت والایی دارد و دولت می‌تواند با پایبندی نسبت به تعهدات خارجی خود، این وجهه را تقویت کند، اما اجرای قاعده نفی سبیل که البته امری مهم است، در این زمینه نوعی نقض غرض محسوب می‌گردد. بنابراین بهره‌بردن از قراردادهای انتقال تکنولوژی می‌تواند ضررهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زیادی برای جامعه اسلامی به همراه داشته باشد.

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به این نتیجه رسیده است که هرچند مقنن در وضع قوانین راجع به سرمایه‌گذاری خارجی و تجویز آن‌ها تا حدودی موفق بوده است، اما در بسیاری از موارد، دولت‌ها و دستگاه‌های اجرایی کشور در اجرای قوانین مزبور توفیق چندانی نداشته‌اند و گاهی باعث نقض اصول قانون اساسی نیز گردیده‌اند. بنابراین برای برون‌رفت از تعارضات موجود میان لزوم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و وجود برخی محدودیت‌ها از سوی قانون اساسی، می‌توان به برخی قواعد فقهی نظیر قاعده مصلحت و قاعده اهم و مهم استناد کرد و از میان اصول حقوق بین‌الملل نیز می‌توان از اصل احترام متقابل بهره جست. با توجه به تداوم و گسترده‌تر شدن موانع سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، بی‌شک با وجود تحریم‌ها و افزایش فشارهای اقتصادی، نمی‌توان آینده خوبی را برای سرمایه‌گذاری خارجی ترسیم نمود. این رهگذر قطعاً نیاز است که در سیاست‌های اجرایی تغییر داده شود، در غیر این صورت قطعاً قدرت اقتصادی کشور کاهش شدیدی را تجربه خواهد کرد. در پایان، به منظور جذب بهینه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، پیشنهادهای نیز ارائه گردیده‌است که توجه قانونگذاران و مجریان قانون در این زمینه را به خود جلب می‌کند:

- تجربه دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که مدیران و سیاستگذاران کشور برداشت صحیحی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نداشته و به مقوله سرمایه‌گذاری خارجی صرفاً به عنوان ابزاری برای تأمین مالی نگرسته‌اند، در حالی که باید این نگاه در مدیران ایجاد شود که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را ابزاری برای انتقال فناوری بنگرند.

- به منظور بهره‌گیری از اصلی‌ترین کارکرد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، یعنی انتقال فناوری، ضرورت دارد که ظرفیت‌های جذب فناوری از کشورهای خارجی، در داخل ایجاد شود.

- این ضرورت احساس می‌شود که با توجه به حفظ دستاوردهای شرکت‌های داخلی در مقابل طرف‌های خارجی، سیاست‌های گزینشی و تعیین شروط سرمایه‌گذاری در چارچوب سیاست خارجی تدوین گردد.

- به نظر می‌رسد یکی از طرق موفقیت در این حوزه، الگوبرداری صحیح از کشورهای موفق در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی است که باید در دستور کار ما قرار بگیرد.

- همچنین به منظور شناسایی فرصت‌ها و مزیت‌های نسبی یا خلق مزیت‌های جدید بر اساس سیاست صنعتی و برنامه‌های آمایش سرزمین و حفظ دستاوردهای شرکت‌های داخلی در مقابل شرکت‌های خارجی انجام مطالعات گسترده در این حوزه امری بسیار مهم است.

آنچه بر مبنای پژوهش حاضر قابل طرح است، اینکه رفع تعارض پیوستن به FATF و نفی سلطه بیگانگان و جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیازمند عملی‌ساختن قواعد فقهی در عرصه سیاست‌ورزی است و از این پیوند میان فقه و سیاست و از جمله در قراردادهای بین‌المللی به نحو مطلوبی بهره برد، بدین ترتیب آنچه در پژوهش حاضر می‌تواند به عنوان اثبات فرضیه نوشتار حاضر در نظر گرفته شود، تأکید بر بهره‌مندی از قواعدی نظیر مصلحت که ناظر بر مصالح عمومی جامعه است، توجه به قاعده نفی سبیل از جمله در عقد توافقات بین‌المللی و همچنین پی‌بردن به این مسأله که برای توسعه نیازمند علم و دانش و تکنولوژی و همچنین تعامل مالی گسترده با جهان هستیم. در عین حال، نظارت کافی بر قراردادهای بین‌المللی و همچنین جلوگیری از نشر اطلاعات مالی کشور به نحوی که باعث ضرر و زیان ملی گردد، نکات مهمی است که در بهره‌مندی از قواعد فقهی و رفع تعارض پیوستن به FATF و منع سلطه بیگانگان مد نظر است.

۷. تقدیر و تشکر

از تمامی عزیزانی که در گردآوری، تدوین و نگارش و حتی ارائه نظریات انتقادی نویسندگان را یاری کردند، تشکر می‌شود.

۸. سهم نویسندگان

نویسندگان مقاله به صورت برابر و با همکاری و مشارکت در گردآوری و تدوین مقاله حاضر نقش داشته‌اند.

۹. تضاد منافع

در مقاله حاضر تضاد منافی وجود ندارد.

References:

1. The Holly Quran, Nissa: 141. (Arabic).
2. Dehghani Firouzabadi J. The Impact of the Islamic Revolution of Iran on Theories of International Relations. *Journal Studies of the Islamic Revolution*. 2009;7(20):30-37. (Persian).
3. Karimi Firozjaei A, Hajitabar Firozjaei H. Iran's Legislative Criminal Policy Against Terrorism in the Light of International Documents. *Quarterly Journal of Political Studies, Azadshahr Branch of Azad University*. 2017;11(41):195-234. (Persian).
4. Shambiati H, Rezazadeh M, Mahdavi Sabet MA. The role of the Security Council in countering the financing of terrorism. *Journal of Political Science, Islamic Azad University, Karaj Branch*. 2019;16(52):17-28. (Persian).
5. Hoseini M. Jurisprudential Principles of Principle 152 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Jurisprudence and History of Civilization*. 2016;3(50):11-21. (Persian).
6. Nikzad A. Principles of Foreign Policy in Law. *Ravagh Thought Magazine*. 2003;4(30):24-42. (Persian).
7. Salehi M. Principles of the Constitution in the light of the views of the Guardian Council, Principles One Hundred and Fifty-three. Tehran: Guardian Council Research Institute; 2016. (Persian).
8. Peters A. Encyclopedia of Public International Law. London: Oxford University; 2002.
9. Zangi Abadi MR. Sharia in the light of expediency. Kerman: Cultural services; 2014. (Persian).
10. Shaban nia G. The scope of national interests in the Islamic state with emphasis on the foreign policy of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Islamic Policy Research*. 2017;6(13):39-46. (Persian).
11. Jaafari Movahed H, Shirkhani A. Understanding the reading of Shiite jurists from the scope of the authority of the jurist; Case Study of Mullah Ahmad Naraghi. *Sahib Jawaher and Imam Khomeini (RA)*. 2018;11(43):1-20. (Persian).
12. Saffar F. Jurisprudence of expediencies and corruptions. Beirute: Publisher Daralolom; 2004. (Persian).
13. Akrami A, Shokri E. Dictionary of the principles of jurisprudence. Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture; 2009. (Persian).
14. Motamed Kotiani E, Rezaei A, Sotodeh Arani M. The principle of dignity and tolerance and its relationship with heroic softness in political negotiations from the perspective of Islam. *Journal of Islamic Policy Research*. 2016;5(12):109-129. (Persian).
15. Soltanfar G, Azmayesh A, Shambiati H. The Impact of Ideologies on the Acquisition and Development of Criminal Law. *Journal Iranian and International Comparative Legal Research*. 2016;10(37):93-146. (Persian).
16. Foroghi FA, Abbasi M. Violation of judicial and executive immunity of governments and their property. *Journal of Legal Studies, Shiraz University*. 2018;11(1):165-205. (Persian).

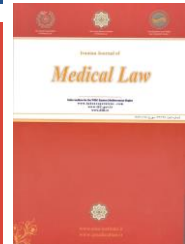


The Iranian Association
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal
2021; Legal Innovation

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



ORIGINAL ARTICLE

Resolving the Conflict of Joining the Financial Action Task Force (FATF) by Emphasizing the Rule of Denial of Dominance and Removing Restrictions on Foreign Investment

Valiolah Mehrnam¹, Masoud Raei^{2*}, Alireza Arashpoor³

1. Ph.D. Student International Public Law, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2. Associate Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 9 October 2021

Accepted: 25 January 2022

Published online: 2 March 2022

Keywords:

Conflict Resolution

Financial Action Task Force (FATF)

Dominance Denial Rule

Foreign Investment

ABSTRACT

Background and Aim: According to the normal practice of world trade, all foreign direct investment contracts must pass through the Financial Action Task Force (FATF) and be supervised by this international body. But in Iran, opponents of joining the FATF believe that Iran's membership is in conflict with the principles of the country's foreign policy. Accordingly, the present study seeks to answer the question of how to resolve the conflict between the need to join the FATF and the rule of negation in order to develop foreign investment.

Materials and Methods: In this article, a descriptive-analytical method has been used to investigate the issue. The content of the discussion has been done by referring and collecting the materials in a documentary and library way.

Results: The solution to the conflict of Iran's accession to the FATF is to use jurisprudential rules such as: expediency, it is important to maintain the rule of denial of domination, to solve internal and external problems to develop relations with other countries, attract capital, become stronger. The country is achievable to counter the enemy threats as well as to use financial instruments to interact with friendly countries and in line with independent foreign policy in the world. Regional and international isolation and non-accession to this international body both exacerbate domestic and international problems and pave the way for false accusations against Iran.

Ethical considerations: The various stages of the research have been carried out by considering ethical considerations such as observing the principle of referral, correct and scientific use of relevant resources and the principle of fiduciary duty.

Conclusion: Utilizing the rule of expediency and the importance of the Supreme Leader of the Islamic Republic and obliging domestic institutions, including the Expediency Council to resolve the conflict of joining the FATF and removing restrictions on foreign investment need to politicize Iran's accession to the FATF. The next step is to try to get off the FATF blacklist and understand that international isolation is an obstacle to attracting foreign investment and distorting the lives of citizens, which is not accepted in Islamic jurisprudence and discourse. Also, financial interaction and relations with the countries of the world, both in the FATF issue and in other issues, should be considered as a dignified pursuit of the demands and rights of the people.

* Corresponding Author:

Masoud Raei

Address: Department of Law,
Najafabad Branch, Islamic Azad
University, Najafabad, Iran.

Postal Code: 85141-43131

Telephone: 31-42292929

Email: masoudraei@yahoo.com

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical Law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Mehrnam V, Raei M, Arashpoor AR. Resolving the Conflict of Joining the Financial Action Task Force (FATF) by Emphasizing the Rule of Denial of Dominance and Removing Restrictions on Foreign Investment. *Medical Law Journal* 2021; Legal Innovation.